

تأثیر جنسیت بر ادله اثبات کیفری

اکرم السادات اکبری بریجانی^۱

کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

چکیده

ادله اثبات دعوا کیفری مطابق ماده ۱۶۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ عبارت است از: اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی که هر یک از ادله در مواد ۱۶۴، ۱۷۴، ۲۰۱، ۲۱۱، ۳۱۳ ق.م.ا ۱۳۹۲ تعریف شده است. شهادت یکی از راه‌های اثبات جرایم است نظر به تأثیر شهادت در اثبات جرائم و صدور احکامی همچون قصاص و تازیانه لازم است که شاهد دارای شرایطی باشد. یکی از این شرایط جنسیت شاهد می‌باشد. در برخی از جرایم از جمله در حدود جنسیت مرد ملاک قرار گرفته و دلیل بر این که شهود باید مرد باشند نیز روایاتی است که شهادت زنان را در حدود به جزء در برخی از موارد نپذیرفته‌اند. در قسامه نیز این امر یعنی تأثیر جنسیت به وضوح از ماده ۳۳۶ ق.م.ا سال ۱۳۹۲ بر می‌آید. در اقرار و علم قاضی جنسیت هیچ‌گونه تأثیری نداشته و این امر از مفاد قانون مجازات اسلامی به وضوح روشن می‌باشد. در خصوص تأثیر تغییر جنسیت بر هر یک از ادله اثبات می‌توان گفت که تغییر جنسیت نیز می‌تواند بر اقرار، شهادت، قسامه تأثیر بسزایی داشته باشد و به نظر می‌رسد که این تغییر هیچ‌گونه تأثیری بر روی علم قاضی و سوگند نمی‌گذارد. در این پژوهش سعی شده است که هر یک از ادله اثبات دعوا به صورت جزئی بررسی و جنسیت و تغییر جنسیت را بر هر یک از این ادله موشکافی کرد.

واژه‌های کلیدی: دلیل، ادله اثبات دعوا، جنسیت، تغییر جنسیت

مقدمه

در حالی که امروزه در سطح بین‌المللی تلاش گسترده‌ای برای برقراری تساوی حقوق زن و مرد در همه زمینه‌ها صورت می‌گیرد و در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بر لغو و یا اصلاح قوانینی که مقررات تبعیض-آمیز علیه زنان دارند تأکید شده است، در حقوق کیفری ایران مقررات متفاوتی نسبت به زن و مرد وجود دارد. چنانچه در مبحث ادله اثبات کیفری شاهد تفاوت جنسیتی هستیم. ماده ۱۶۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: ادله اثبات جرم عبارت از: اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی.

در خصوص علم قاضی تفاوت جنسیت منتفی است. در خصوص اقرار به جرم و سوگند تفاوتی بین اقرار و سوگند زن و مرد وجود ندارد. لذا تفاوت جنسیت موجود در مبحث ادله اثبات کیفری در خصوص شهادت و قسامه است.

پژوهش حاضر در خصوص دو موضوع است: الف) در خصوص شهادت اگر به مواد ق.م.ا. نگاهی بیندازیم شاهد آن خواهیم بود که در آن مواد یا شهادت زنان در قتل عمد معتبر نیست خواه به‌طور منفرد شهادت دهند و یا شهادت آنان به شهادت مردی ضمیمه شود. در برخی مواد شهادت زنان به انضمام شهادت مردان قابل پذیرش خواهد بود. مانند ماده ۱۹۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: برای اثبات زناى موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در ابتدای ماده ۱۹۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ نیز بیان شده است: نصاب شهادت در کلیه جرایم، دو شاهد مرد است. و از طرفی در انتهای ماده نیز بیان شده است، جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است. این ماده در واقع جایگزین مواد ۷۴ و ۲۳۷ ق.م.ا. ۱۳۷۰ شده است.

بیان مساله

مثال ماده ۷۶ ق.م.ا. ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی‌کند بلکه در مورد شهود حدقذف طبق احکام قذف جاری می‌شود. طبق مواد ۱۹۹۰ و ۲۰۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ اصولاً جرایم لواط، مساحقه، قوادی، قذف، شرب خمر، محاربه و سرقت با شهادت زن قابل اثبات نیست و فقط به شهادت مردان برای اثبات جرم توجه شده است. ب) قسامه: طبق ماده ۳۳۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲، نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است. این ماده در واقع جایگزین ماده ۲۴۸ ق.م.ا. ۱۳۷۰ و تبصره‌های آن شده است. در قانون سال ۱۳۷۰ در خصوص تکرار سوگند مقرر می‌داشت: چنانچه تعداد قسم خورندگان مدعی علیه کمتر از پنجاه نفر باشند، هر یک از قسم خورندگان مرد می‌تواند بیش از یک قسم بخورند به نحوی که پنجاه قسم کامل شود این در حالی است که در قانون سال ۱۳۹۲ به صراحت عنوان شده است که با تکرار سوگند قتل ثابت نمی‌شود و این مسئله از انتهای ماده ۳۳۶ به صراحت بر می‌آید.

حال این سؤال است که آیا مدعی علیه زن جهت تبرئه خود می‌تواند نسبت به تکرار سوگند اقدام نماید، و آیا مدعی زن می‌تواند خود به همراه چهل و نه خویشاوند ذکور نسبی سوگند یاد کند تا عدد سوگند به نصاب پنجاه برسد؟ با نگاهی به ماده ۳۳۶ و ماده ۳۳۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که جایگزین تبصره‌های ماده ۲۴۸ قانون سال ۱۳۷۰ شده است می‌توان گفت: در صورتی که شاکی از متهم درخواست اقامه قسامه کند، متهم باید برای براءت خود، اقامه قسامه نماید که در این صورت باید حسب مورد به مقدار نصاب مقدر، اداء کننده سوگند داشته باشد. اگر تعداد آنان کمتر از نصاب باشد سوگندها تا تحقق نصاب توسط آنان یا خود او تکرار می‌شود و با نداشتن اداء کننده سوگند، خود متهم خواه مرد باشد خواه زن، همه سوگندها را تکرار می‌نماید و تبرئه می‌شود.

پیشینه تحقیق:

در خصوص برابری حقوق زن و مرد در اسناد بین‌المللی مطالب عمده‌ای به چشم می‌خورد، به‌عنوان مثال در اسناد حقوق بشری مانند منشور ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک و اسنادی از این قبیل منعکس است.

۲- در خصوص شرط قبول شهادت عدالت شاهدان یعنی باید حائز معیارهای صدق و اعتماد باشد، اگر زن فاقد اعتبار و شخصیت بود، اصل شهادت او پذیرفته نبود نه آنکه در هر مورد به لحاظ مناسبت آن مورد با طبیعت شاهد، تعداد شهود معین گردد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰: ۱۰۵).

۳- در صورتی که مدعی زن باشد، باید به موجب ماده ۳۳۸ ق.م.ا ۱۳۹۲، پنجاه خویشاوند نسبی مرد را برای سوگند حاضر نماید در غیر این صورت ادعا ثابت نخواهد شد. نباید ناگفته گذاشت که در تحریرالوسیله و برخی از کتب فقهی دیگر، امکان ادای سوگند از سوی مدعی (چه زن، چه مرد) در صورت فقدان خویشاوندان نسبی پیش‌بینی شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۴۰۸).

مفهوم جنسیت**مفهوم جنسیت از نظر اصطلاحی**

به الگوی خصوصیات جنسیتی، کروموزوم‌ها، دستگاه تناسلی خارجی، دستگاه تناسلی داخلی، ترکیب هورمونی غدد جنسی و خصوصیات جنسی ثانویه شخص جنسیت اطلاق می‌گردد. در رشد طبیعی، این خصوصیات الگوی منسجم به‌وجود می‌آورند، به‌طوری‌که شخص در مورد جنسیت خود تردیدی ندارد (اوحدی، ۱۳۸۵: ۶).

مفهوم جنسیت از نظر فیزیولوژی

سلول نر (اسپرم) به تعداد زیادی در منی وجود دارد که ۶۰ تا ۱۲۰ میلیون و گاهی تا ۴۰۰ میلیون از آن، در یک سانتی‌متر مکعب منی وجود دارد. این اسپرم‌ها دو نوعند: اسپرم X و اسپرم Y؛ از این همه تعداد فراوان سلول نر، فقط یک اسپرم شانس برخورد با تخمک زن یا «اوول» را داراست. چنانچه اسپرم X با تخمک زن ترکیب گردد، فرزند به وجود آمده، دختر خواهد بود و اگر اسپرم Y با تخمک زن ترکیب شود، فرزند، پسر خواهد بود. ولی مسأله به همین جا ختم نمی‌شود، بیضه و غدد دیگر بدن، با ترشحات خود، علائم جنس مذکر را ظاهر می‌سازند و هورمون‌هایی در جنس ماده، علائم این جنس را ظاهر می‌گرداند. چنانچه این هورمون‌ها کم ترشح شود یا اصلاً ترشح نشود، چه بسا علامت جنس مخالف، در وجود فرد ظاهر گردد که این افراد، «دو جنسه»، «خنثی» و یا «هرمافرودیت» اطلاق می‌گردد. بنابراین، جنین ایجاد شده، یا پسر است یا دختر و یا به دلیل اختلالات، «دوجنسی» خواهد بود که در اصطلاح فقه، به آن «خنثی» می‌گویند. این افراد دارای آلت مردانه و آلت زنانه هستند، و در مواردی افراد خنثی، فاقد هر دو آلت هستند. این افراد در واقع یا مذکر و یا مؤنث هستند و جنس سوم محسوب نمی‌شوند. چنانچه عمل یکی از این دو آلت تناسلی، در شخص خنثی بیش‌تر باشد، فرد به‌همان جنس ملحق خواهد بود و در مواردی با انجام آزمایشات، جنسیت غالب فرد را مشخص می‌سازند ولی گاهی کارکرد هر دو آلت تناسلی به‌صورت تساوی بوده و هیچ‌کدام بر دیگری غلبه ندارد که از آن در لسان فقه به «خنثای مشکل» تعبیر می‌شود (کریمی‌نیا، ۱۳۷۹: صص ۷۹ و ۸۰).

سوابق تاریخی افراد دو جنسی

موضوع دو جنسیتی یا هرمافرودیت و خنثی متولد شدن کودکان پدیده تازه‌ای نیست و از نظر تاریخی می‌توان سوابق این امر را به دوران آغاز خلقت و پیدایش بشر اولیه مرتبط دانست؛ زیرا در ادیان مختلف از جمله در دین اسلام موضوع دو جنسیتی در باب مسائل گوناگون از جمله در مسأله ازدواج و توارث ماترک متوفی مطرح بوده و آن را اولیاء ادیان به‌عنوان مسأله حادث عنوان نکرده‌اند، بلکه احکامی را در مورد این‌گونه افراد بیان کرده‌اند که خود حکایت از قدیمی بودن این پدیده دارد و چون در

ادوار قدیم بشر از دانش بیولوژیکی، پزشکی و روان‌پزشکی اطلاعاتی نداشت به‌علل و عوامل این موضوع پی نبرده بوده و راهی برای برطرف کردن این‌گونه اختلالات جنسی و جسمی و روانی نیافته بود. بلکه بر این تصور بود که این‌گونه افراد باید به‌همان حال بمانند و به ناچار باید این وضع را تحمل کرده و به زندگی غیرمتعارف و متلاطم خود ادامه دهند. با این‌که پیدایش انسان-های دو جنسیتی را نمی‌توان به زمان خاص منتصب کرد ولی می‌توان گفت: عوامل مختلفی می‌تواند در این موضوع نقش داشته باشد که جو، محیط زیست و آب و هوا، تغذیه و در حال حاضر مصرف داروهای شیمیایی، عوامل عصبی و امواج مغناطیسی مخصوصاً امواج مصنوعی موجود در فضای زیست را می‌توان جزء این عوامل دانست.

مفهوم دلیل و اقسام آن

دلیل در لغت به معنای راهنما است (عمید، ۱۳۶۱: ۱۰۰). و هر چیز معلوم که اندیشه را به کشف مجهولی رهبری کند، نیز دلیل نام دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۱۲). ادله، جمع مکسر و مفرد آن دلیل است. راهنما، زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که انسان در خصوص شناخت امری، ابهام داشته باشد. اما چنانچه موضوع از هر جهت روشن و بدون ابهام باشد، در آن صورت، استفاده از راهنما و دلیل، بی‌فایده خواهد بود. برای مثال: هنگامی که خورشید در حال تابیدن یا باران در حال باریدن باشد، هیچ عاقلی سؤال نخواهد کرد که دلیل شما دایر بر اینکه خورشید در آسمان یا باران در حال باریدن است چیست؟ در امور حقوقی نیز «اثبات موضوعی که به حکم مستقیم یا اماره قانونی یا اقرار محرز است، کاری بی‌فایده و لغو به‌نظر می‌رسد و برای آن نه دلیلی مطالبه می‌شود و نه دلیل اضافی پذیرفته خواهد شد» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۳).

تأثیر جنسیت در ادله اثبات کیفری

تأثیر جنسیت در اقرار

جنسیت تأثیری در اقرار ندارد و پر واضح است زن و مرد بودن مقرر در ماهیت اقرار هیچ‌گونه اثری نداشته و اصولاً این اخبار به حق هیچ ارتباطی با جنسیت نداشته و ندارد. در قوانین جزایی و مدنی هیچ اشاره‌ای به تأثیر جنسیت بر اقرار نشده است. اما در خصوص کمیت اقرار در مواد متفاوتی اظهار نظر شده است. مثلاً در ماده ۱۷۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که جایگزین ماده ۶۸ ق.م.ا. ۱۳۷۰ شده است از راه‌های ثبوت زنا را ۴ بار اقرار نزد حاکم و از راه‌های ثبوت قتل را یک‌بار اقرار می‌داند که این مسئله در ماده ۲۳۲ ق.م.ا. به صراحت بیان گردیده است. بنابر مواد قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جنسیت هیچ‌گونه تأثیری بر اقرار ندارد.

تأثیر جنسیت شهود در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در فصل سوم به جرایمی که با شهادت ثابت می‌شوند پرداخته است. تفاوتی که قانون جدید با قانون سابق دارد در این است که در قانون سال ۱۳۷۰ تقسیم‌بندی برحسب جرایم بود و این در حالی است که در قانون سال ۱۳۹۲ تقسیم‌بندی برحسب ادله می‌باشد. در ماده ۱۹۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ تصریح می‌کند: نصاب شهادت در کلیه جرایم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه که با چهار شاهد مرد ثابت می‌گردد. در ادامه همین ماده بیان می‌دارد: «برای اثبات زنا شهادت دو مرد و چهار زن عادل کافی است، مگر مواردی که حد زنا، اعدام یا رجم است که در این صورت، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند، تنها حد شلاق، ثابت می‌شود. جنایات موجب دپه نیز با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن قابل اثبات است.»

تأثیر جنسیت در قسامه

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۳۳۶ بیان شده است: نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است. با تکرار سوگند قتل ثابت نمی‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار سال ۹۲ نیز در قسامه به جنسیت مرد توجه داشته و صراحتاً بیان داشته که سوگند خورندگان باید مرد باشند. ماده ۲۴۸ ق.م.ا. ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «در موارد لوث، قتل عمد با قسم پنجاه نفر مرد ثابت می‌شود و قسم خورندگان باید از خویشان و بستگان نسبی مدعی باشند.» در این ماده به صراحت در مورد اینکه قسم یاد کنندگان باید مرد باشند تصریح کرده است. در واقع برای قسم خورندگان شرایطی ذکر شده است که از جمله این شرایط، مرد بودن است. در بیشتر روایات باب قسامه آمده است: «قسامه پنجاه مرد» و در بعضی موارد «پنجاه قسم» آمده است و از این جاست که فقها، مرد بودن را در قسم خورنده شرط دانسته‌اند. اما در تحریرالوسیله می‌فرماید: «ظاهر، اعتبار مرد بودن در قسامه است» (امام خمینی «ره»، ۱۳۶۶: ۴۷۵).

زن نیز در صورتی که مقتول وارث مرد ندارد، می‌تواند مدعی لوث باشد و قسامه را اجرا کند؛ یعنی پنجاه مرد حاضر کند و اگر تعداد مردان کمتر بود، قسم در بین مردان تکرار می‌شود تا عدد کامل شود و در صورتی که هیچ مردی نبود، خود مدعی، اگرچه زن باشد، پنجاه قسم ادا می‌کند (دوست محمدی، ۱۳۷۰: ۶۱).

تأثیر جنسیت در سوگند

ماده ۲۰۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: هرگاه در دعاوی مالی مانند دیه‌ی جنایات و همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است مانند جنایت خطائی و شبه عمدی موجب دیه، برای مدعی خصوصی امکان اقامه‌ی بینه‌ی شرعی نباشد، وی می‌تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمه‌ی یک سوگند، ادعای خود را فقط از جنبه‌ی مالی اثبات کند. با مذاقه در ماده مذکور به این نتیجه خواهیم رسید که مدعی می‌تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمه سوگند خود ادعای خویش را از جنبه مالی اثبات کند و واژه وی اطلاق دارد و فرق بین مدعی زن و مدعی مرد نیست و سوگند خورنده خواه زن یا مرد باشد می‌تواند به منظور اثبات ادعای خود به انضمام یک شاهد مرد یا دو شاهد زن سوگند یاد کند و ادعای خود را از جنبه مالی اثبات کند. لذا تفاوت جنسیت در سوگند منتفی است.

تأثیر جنسیت در علم قاضی

حصول علم قاضی در مورد یک موضوع از سه طریق حاصل می‌شود:

(الف) طرق متعارف

(ب) طرق غیرمتعارف

(ج) طرق شرعیه که در اینجا منظور از طرق شرعیه حصول علم قاضی طرق متعارف هستند که عبارتند از:

معاینه (مشاهده)، قراین (امارات)، امور بدیهی، پزشکی قانونی، کارشناسی و انگشت‌نگاری می‌باشند. به‌طور کلی علم قاضی، در صورتی دارای حجیت و معتبر است که از طریق متعارف و متکی بر دلایل و شواهد و قرائن تحصیل شده از روش‌های قانونی و مشروع کسب شود و علم شخص قاضی در خارج از محکمه فاقد اعتبار و حجیت است (دیانی، ۱۳۸۹: ۲۵۳).

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ تعریفی از علم قاضی نشده بود و تنها دو ماده ۱۲۰ و بند ۳ ماده ۱۹۹ به ترتیب یکی از راه‌های اثبات لواط و سرقت حدی را علم قاضی بیان کرده است. این در حالی است که در ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۱۱ علم قاضی را تعریف کرده است و بیان کرده که علم قاضی عبارت است از تعیین حاصل از مستندات بین در امری که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند.

تبصره: مواردی از قبیل نظریه کارشناسی، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.

همچنین در ماده ۲۱۲ اشاره شده است در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و براساس آن رأی صادر می‌شود.

همان‌طور که از مواد قانونی مربوط به علم قاضی بر می‌آید روشن است که جنسیت هیچ‌گونه تأثیری بر علم قاضی نداشته و این امر در ق.م.ا سال ۱۳۹۲ نیز به نوعی تایید شده است. اما آنچه که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد این است که علم قاضی نمی‌تواند کاربرد جالبی در اثبات جرایم داشته باشد؛ زیرا قاضی باید علم یقینی خود را از محتویات پرونده تحصیل کند. قضات فعلی علم غیب ندارند. در هر صورت ممکن است نتوانند واقعیت را تنها از اقرار یا شهادت شهود کشف کنند (آخوندی، ۱۳۸۸: صص ۵ و ۶).

سؤالات پژوهش

مهم‌ترین پرسش‌های این تحقیق عبارتند از:

- ۱-۴ آیا در خصوص اقرار به عنوان یکی از ادله اثبات کیفری تفاوتی بین اقرار زن و اقرار مرد دیده می‌شود؟
- ۲-۴ آیا ارزش شهادت زن با شهادت مردان متفاوت است؟
- ۳-۴ در خصوص قسامه به‌عنوان یکی از ادله اثبات کیفری در قتل تفاوت جنسیتی مدعی تأثیری بر اجرای قسامه دارد؟
- ۴-۴ آیا تفاوت‌های موجود مبنی بر بی‌ارزشی و کم‌ارزشی زن است؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اساس این رساله به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱-۵ در مورد اقرار تفاوتی بین اقرار زن و مرد وجود ندارد.
- ۲-۵ در برخی موارد یا برای شهادت زنان اعتباری قائل نشده‌اند یا اینکه شهادت زنان به انضمام شهادت مردان قابل پذیرش خواهد بود و یا حتی در مواردی شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام یک مرد معتبر نخواهد بود.
- ۳-۵ در صورتی که مدعی زن باشد باید به‌موجب ماده ۳۳۸ ق.م.ا ۱۳۹۲ پنجاه خویشاوند نسبی مرد را برای سوگند حاضر نماید در غیر این صورت ادعا ثابت نخواهد شد.
- ۴-۵ اگرچه قوانین تبعیض‌آمیز است و در آن به نوعی برتری حقوق مرد نسبت به زن به چشم می‌خورد ولی این تفاوت دایر بر بی‌ارزشی زن نمی‌باشد چرا که در برخی موارد این قوانین جنبه حمایتی نسبت به زن دارد.

اهداف پژوهش

نظر به اینکه بخش زیادی از جامعه ایرانی زنان می‌باشند و حضور فعال در اجتماع دارند ایجاد تساوی حقوق بین زن و مرد در ایران با توجه به توصیه‌های بین‌المللی و تئوری‌هایی که در حقوق جزا وجود دارد و رعایت حقوق زن با توجه به معیارهای بین‌المللی و همچنین اصل تساوی حقوق زن و مرد با توجه به ملاحظات موجود در حقوق اسلامی و در نهایت ایجاد عدالت کیفری بالاخص ایجاد زمینه‌های پیشگیری از بسیاری از جرایمی که ممکن است در اثر عدم وجود تساوی در حقوق زن و مرد در حوزه سیاست کیفری ناشی گردد از اهداف مهم این پژوهش می‌باشد.

روش تحقیق

روش پژوهش، توصیفی از نوع تحلیل محتوا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

اقرار در میان ادله اثبات دعوا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به‌خاطر اهمیت و ارزش قضایی خاصی که در حل مجهولات قضایی اعم از حقوقی و کیفری دارد ملکه ادله نام گرفته است و در ماده ۱۲۵۸ ق.م. و ماده ۱۶۰ ق.م.ا که ادله اثبات دعوا احصاء گردیده، رتبه اول را داشته و صدرنشین است. اگرچه اقرار یکی از ادله مؤثر در کشف واقع می‌باشد اما با توجه به اطلاق ماده ۱۲۵۷ ق.م. جنسیت در اقرار مؤثر نبوده و تغییر جنسیت نیز تنها در شرایطی بر اقرار تأثیرگذار می‌باشد. شهادت نیز یکی از ادله اثبات دعوا و دارای اهمیت بسزایی است. در واقع اعلام شخص است که در دادگاه و با تشریفات معین انجام می‌شود درباره حضور او در وقوع امری. در واقع شهادت در جایی دلیل است که دلیل اثبات دعوا منحصر به آن باشد یا شهادت مؤثر در اثبات دعوا به همراه دلیل دیگر باشد. در شهادت جنسیت تأثیر بسزایی در اثبات جرم دارد و ماده ۱۹۹ ق.م.ا ۱۳۹۲ دلیل محکمی بر این مدعاست. قسامه یکی از ضعیف‌ترین ادله در میان سایر دلایل به‌شمار می‌آید. از این دلیل تنها برای فصل خصومت استفاده می‌شود. اصولاً قسم در مواردی دلیل محسوب می‌شود که دلیل برای اثبات مدعا در دسترس نباشند. ماده ۱۳۳۵ ق.م. مقرر می‌دارد: «توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوای مدنی نزد حاکم به‌موجب اقرار یا شهادت یا علم قاضی بر مبنای اسناد و امارات ثابت نشده باشد، در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوای خود را که مورد انکار مدعی علیه است، منوط به قسم او نماید». لذا طبق مفاد این ماده جنسیت در قسامه مؤثر بوده و تغییر جنسیت نیز از عوامل بسیار تأثیرگذار بر قسامه به‌شمار می‌آید. در قسامه ماده ۳۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است...». همان‌طور که اشاره شد در خصوص سوگند بحث تأثیر جنسیت منتفی است و جنسیت در سوگند تأثیری ندارد. هرگاه قاضی در تحقیق خود نسبت به پرونده دعوایی که نزد او مطرح است، به ارتکاب جرم یا عدم ارتکاب آن توسط متهم، تعیین نماید، این را علم قاضی گویند و تحت شرایطی می‌توان آن را از ادله اثبات دعوای کیفری دانست. ماده ۲۱۱ ق.م.ا ۱۳۹۲ بیان می‌دارد علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند. همچنین ماده ۲۱۲ ق.م.ا ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر رأی صادر می‌کند چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و براساس آنها رأی صادر می‌شود و همچنین بر طبق ماده ۱۳۳۵ ق.م. «توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوای مدنی نزد حاکم به‌موجب اقرار یا شهادت یا علم قاضی بر مبنای اسناد یا امارات ثابت شده باشد...» مستفاد از این سه ماده شرایطی برای پذیرش علم قاضی به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوای کیفری وجود دارد که از جمله آنها، استناد قاضی به ثبوت علم خود به‌وسیله مستندات قانونی مانند اسناد یا امارات است. ماهیت علم قاضی، همان ماهیت تحقیق است. یعنی قاضی بر اثر تحقیق، با توسل به قسمت خفی حقوق که همانا تفسیر قواعد حقوقی و تمسک به اموال کلی حقوق و منطبق حقوق است، به نتیجه‌ای رسیده است که می‌تواند به استناد آن، حکم پرونده دعوا را صادر کند. مستفاد از قوانین مجازات اسلامی و مدنی در هیچ‌یک از مواد قانونی اشاره‌ای به جنسیت و تأثیر آن بر علم قاضی نشده است و تغییر جنسیت نیز هیچ اثری بر علم قاضی ندارد.

با لحاظ موارد فوق می‌توان طرحی نو پیشنهاد داد:

اگرچه قوانین به نوعی تبعیض آمیز است و در مواردی به جایگاه زنان توجهی نشده است علیرغم اینکه تفاوت دایر بر بی‌ارزشی و کم‌ارزشی زن نمی‌باشد و در برخی موارد این قوانین جنبه حمایتی نسبت به زن دارد امید است با توجه به تغییرات صورت گرفته از لحاظ اجتماعی و ارتقاء سطح علم و آگاهی زنان جامعه در مبحث ادله اثبات دعوا به جایگاه و نقش زن در خصوص

ادله به منظور اثبات جرائم توجه شایانی شود چرا که زنان امروز همپای مردان در تمامی سطوح جامعه حضور فعال دارند. با توجه به اینکه مواد ق.م.ا سال ۱۳۷۰ و متعاقباً قانون سال ۱۳۹۲ در هیچ یک از مواد قانونی به تأثیر تغییر جنسیت و آثار آن و تکلیف قاضی در مواجهه با این موارد نپرداخته، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذاران ما با دقت و مذاقه بیشتری به این مسئله توجه کرده و حتی‌الامکان مواردی را در این زمینه به صورت نمونه یادآور شوند. جامعه حقوقی کمتر به مسأله تغییر جنسیت پرداخته- اند و کتب تخصصی در زمینه موضوع حاضر به چشم نمی‌خورد. پیشنهاد می‌شود اساتید فن و حقوقدانان و دانشجویان حقوق در این زمینه تلاش نمایند تا سعی شود کتابی تخصصی نه برای حقوقدانان بلکه برای تمامی اقشار جامعه که نسبت به موضوع تغییر جنسیت و تأثیر آن بر ادله اثبات دعوا آگاهی ندارند نقاط مبهم ولاینحل موضوع از بین برود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آخوندی، محمود (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری اندیشه‌ها*، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
۳. اوحدی، بهنام (۱۳۸۵). *تمایلات و رفتارهای جنسی انسان*، تهران: گنج دانش.
۴. اسماعیل آبادی، علیرضا (۱۳۸۳). *ادله اثبات دعوی کیفری به کوشش جمعی از نویسندگان*، چاپ اول، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵. امامی، اسدالله (۱۳۹۲). *مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۶. امامی، سیدحسن (۱۳۶۴). *حقوقی مدنی*، جلد ۶، چاپ ششم، تهران: انتشارات ابوریحان.
۷. بازگیر، یدالله (۱۳۸۰). *علل نقض آرای کیفری در شعب دیوان عالی کشور*، تهران: انتشارات فردوسی.
۸. بهرامی، بهرام (۱۳۸۷). *بایسته‌های ادله اثبات دعوا*، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه بینه.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوقی*، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *ترمینولوژی حقوقی*، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *دانشنامه*، جلد چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱). *زن در آئینه جمال و جلال*، چاپ دوم، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۳. جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۲). *رساله توضیح المسائل (استفتائات)*، جلد ۲، قم.
۱۴. حسینی، صادق (۱۴۲۷). *المسائل الطیبه*، قم: یاس الزهراء.
۱۵. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۴). *ادله اثبات دعوا*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۶. حمیتی واقف، احمدعلی (۱۳۸۷). *ادله اثبات دعوا*، چاپ اول، تهران: نشر حقوقدان.
۱۷. خدادادی، غلامحسین (۱۳۸۵). *احکام پزشکان و بیماران*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷). *حقوق زن، مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر*، تهران: انتشارات تک.
۱۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۶). *تحریرالوسیله*، تهران: مکتبه اعتماد الکاظمی.
۲۰. دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۹). *ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری*، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۲۱. زراعت، عباس (۱۳۷۹). *شرح قانون مجازات اسلامی*، بخش قصاص، جلد ۱، تهران: انتشارات ققنوس.
۲۲. شاهرودی، محمود (۱۳۸۷). *بایسته‌های فقه جزا*، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
۲۳. شکر، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۷). *قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی*، چاپ هفتم، تهران: طیف‌نگار.
۲۴. صدرزاده افشار، محسن (۱۳۶۹). *ادله اثبات دعوا در حقوق ایران*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۵. صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۴). *حقوق خانواده*، جلد اول: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. عمید، حسن (۱۳۶۱). *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۷. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۷). *جامع‌المسائل، استفتانات*، قم.
۲۸. فیض، علیرضا و مهذب، علی (۱۳۶۶). *ترجمه کتاب لمعه*، جلد ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). *اثبات و دلیل اثبات*، جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
۳۰. کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۸۹). *تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق*، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *گنجینه سؤالات فقهی قضائی*، تهران: مرکز تحقیقات قوه قضائیه.
۳۲. منتظری، حسین علی (۱۳۸۳). *رساله استفتانات*، قم: انتشارات سایه.
۳۳. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۷). *حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص*، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
۳۴. نجفی، محمدحسن (بی تا). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد ۴۳، کتاب قصاص.
۳۵. نوروزی فیروز، رحمت‌الله (۱۳۸۳). *بررسی جنبه‌های نظری و عملی ادله اثبات دعوا در امور حقوقی و کیفری*، چاپ اول، چالوس: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نوشهر و چالوس.
۳۶. دوست محمدی، هادی (۱۳۷۰). «*بحثی در لوث و قسامه*»، *مجله کانون وکلا*، دوره جدید، شماره ۵.
۳۷. کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۷۹). *ماهنامه معرفت*، شماره ۳۶.
۳۸. مهرپور، حسین (۱۳۷۸). *بررسی ارزش شهادت در قوانین موضوعی ایران و مبانی فقهی آن*، فصلنامه مفید، شماره ۱۸.

قوانین

۱. قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹).
۲. قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۷۸).
۳. قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰).
۴. قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵).
۵. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).
۶. قانون مدنی (۱۳۱۴).

منابع عربی

۱. آل کاشف الخطاء، محمدحسین (۱۳۵۹). *تحریر المجله*، جلد ۲، تهران: کتاب‌فروشی فیروزآبادی.
۲. حسینی شیرازی، محمد (۱۴۰۰). *تقرب القرآن الی الاذهان*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳. خوانساری، احمد (۱۴۰۵). *جامع‌المدارک*، جلد ۵، قم.
۴. شهید ثانی (بی تا). *شرح‌اللمعه‌الدمشقیه*، جلد ۸، کتاب‌المیراث، فی التوابع.
۵. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۰۵). *من وحی القرآن*، بیروت: دارالزهراء.
۶. محمد کنعان، احمد (۲۰۰۰). *الموسوعه‌الطبیه‌الفقهیه*، بیروت.
۷. مؤمن، محمد (۱۴۱۵). *کلمات سدیده فی مسائل جدیده*، قم: مؤسسه‌النشر الاسلامیه.

The effect of gender on criminal evidence

Akram Sadat Akbari Brijani

M. S Of criminal law, University Of Mazandaran, Mazandaran, Iran

Abstract

The evidence to prove criminal claims according to article 160 GH. M. A, 1392, is put this way: confession, testimony, taking an oath, and pledge in the appointed legal cases and the judge's discretion that each of the reasons has been defined in articles 164,174,201,211,312 GH.M. A. 1392.

Testimony is one of the ways to prove offences .Regarding the effect of testimony on proving crimes and issuing decisions like retaliation and lash, it is necessary for the witness to have some conditions. One of such conditions is the witness's gender. In some offences, man gender within the limits has been used as criterion and the reason why the witness has to be a man has some traditions that haven't accepted the woman's testimony within the limits except in some cases. In taking the oath too, this issue, that is, the effect of gender is vividly seen in article 336 GH. M.A 1392. In the acknowledgement and discretion of a judge, gender has no effect and this issue is clear from Islamic punishment law contents.

About the effect of changing gender on each of the proof evidence ,it can be stated that changing gender can have significant effect on confession, testimony and taking the oath and it seems that this change has no effect on the judge 's discretion and oath. In this study, efforts have been made to analyze claim proof evidence briefly and get into the details of gender and changing gender influencing each of these reasons.

Keywords: Reason, Claim proof evidence, Gender, Changing gender.
